بمناسبت روز اول ژوئن ، روز جهانی کودک ، همه پدران و مادران را فرامیخوانیم تا برای تأمین بهروزی کودکان خود مبارزه کنند!

دورهٔ ششم — پانزدهم خرداد ۱۳۵۳ — شمارهٔ صد و دوازدهم

مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

دیکتاتوری فاشیستی ۴۸ سالهٔ پرتقال به‌نیروی خلق سرنگون شد

رژیم فاشیستی خونخوار و حیله بازی که قریب نیم قرن باوحشیانه ترین اسلوبهای ترور سیاسی بکمک دستگاه پلیسی مجهزی بنام پیده (ساواك پرتقالی) و محاکم نظامی فرمایشی همه‌ی آزادیهای دموکراتیك را زیر پا گذاشته ، دسته دسته مخالفان و مجاهدان راه خلق را اعم از کمونیست ، سوسیالیست ، لیبرال یا کاتولیك به شکنجه گاهها ، زندانها و کشتارگاههای کاکسیاس و په نیش میفرستاد و بنام « عظمت واعتلاء پرتقال » ده‌سال تمام بیرحمانه‌ترین جنگهای مستعمراتی را علیه خلقهای افریقا دنبال مینمود ، در ۲۵ آوریل ۱۹۷۴ (۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۳) بپایمردی جنبش

دنباله در صفحه ۲

اظهاریه هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

چندی است که تصادمات جنگی در کردستان عراق از نوتجدید شده است . دستگاه تبلیغاتی دولت ایران و جارچیان تبلیغاتی امپریالیستی با ایجاد هیاهوی زهرآگینی در اطراف این تصادمات جنگی ، میکوشند اختلاف بین کرد و عرب را عمیق کنند و آنرا بوسیله ای برای ایراد ضربت بر حکومت ضد امپریالیستی عراق مبدل سازند .

تصادمات از آنجا آغاز شد که رهبری حزب دموکرات کردستان عراق پیشنهاد دولت عراق را در باره خود مختاری رد کرده و بجای در پیش گرفتن روشی سازنده وادامه مذاکره برای حل‌مشکلات موجود، بسوی جنگ برادر کشی تازه ای در شمال عراق گام برداشته است .

از مدتها پیش دیده میشد که حزب دموکرات کردستان عملا به دو جناح تقسیم شده است ، تحول دموکراتیك در عراق ، اجراء مشی ضد امپریالیستی در سیاست خارجی و اصلاحات اجتماعی بسود زحمتکشان در داخل کشور ، اصلاحات ارضی ، قانون کار ، ملی کردن‌وسسات نفتی متعلق‌به« ایراك پترولیوم کمپانی»، بسط صنایع کشور ، نوسازی کشاورزی و غیره ، بمذاق عده‌ای از خانها وفئودالها و رؤسای عشایر که در حزب دموکرات کردستان و رهبری آن نفوذ کامل دارند، خوشایند نبوده ونیست . بسط وانطباق این اصلاحات در کردستان عراق که میتواند پایه فئودالیسم ونظامات پدر سالاری‌را بزیان سیطره سنتی این‌عناصر سست‌سازد، آن انگیزه واقعی است که آنها را بیش از پیش بسوی راست کشانده و در مذاکره با احزاب بعث و کمونیست دمبدم نا سازگارتر و بهانه گیرتر ساخته است . اگر چنین نبود ، حل اشکالاتی که در زمینه تأمین خود مختاری میتوانست پدید آید از طریق مذاکره با قصد نیل به تفاهم ، حتماً عملی بود . درست همین انگیزه‌ای طبقاتی است که اکثریت رهبری حزب دموکرات کردستان عراق را به مواضع نادوست ستیزه جوئی با احزاب مؤتلفه عراق (حزب کمونیست‌وحزب بعث) و دیگر سازمانهای ملی ومترقی وبه ردپیشنهاد ترقیخواهانه خود مختاری کشاند . این انگیزه آنها را چندان از مواضع درست دور برد که اکنون آنها را در کنارشاه‌ایران، امپریالیسم وصهیونیسم یعنی‌دشمنان قدیمی و واقعی خلق کرد قرار داده است .

حزب توده ایران که همیشه از خواستهای بحق و مترقی جنبش کرد در عراق پشتیبانی کرده‌است با بیان تأسف خود از رویداد های شمال عراق ، با بیان آرزوی آتشین خود در مورد آنکه این بر خوردها هرچه زودتر خاتمه پذیرد و مذاکرات خلاق بین عربها و کردها تجدید شود ، پشتیبانی خود را از مشی مترقی و سازنده نیرو های دموکراتیك و ملی عراق در این مسئله یعنی از مشی حزب بعث عراق حزب کمونیست عراق و دیگر نیروهای کرد و عرب که خواستار حل صحیح مسئله در چارچوب حفظ‌یگانگی ضدامپریالیستی هستند ابراز میدارد .

پشتیبانی گرم ما نماینده احساس و قضاوت عادلانه مردم ایران است که با سیاست غدارانه و فتنه انگیزانه شاه مخالفند وتبلیغات تحریك آمیز رادیو دولتی ایران را با اشمئزاز رد میکنند . دولت ایران نقش درجه اولی ، با صوابدید امپریالیستها در تقویت عناصر محافظه کار در کردستان عراق ایفاء میکند . هدف رژیم ایران از این سیاست ایجاد تفرقه درجنبش ضد امپریالیستی در عراق ، و جلوگیری از حصول خود مختاری خلق کرد عراق است . رژیم ایران که خود حقوق حقه خلقهای ایران و از آنجمله کرد های ایران را بارها باخشونت پایمال کرده است با سیاست کنونی خود نیز همین هدف ارتجاعی را از آنجمله علیه‌خلق کرد ایران دنبال میکند .

ماالطمینان داریم که راه حق نیروهای ملی ودموکراتیك در عراق در مسئله تأمین خود مختاری کردستان عراق، در مسئله تأمین دوستی عرب و کرد و حفظ یگانگی جمهوری عراق و ادامه سیاست مترقی خارجی و داخلی کنونی دولت عراق، علیرغم تمام دشواریهائی که‌اکنون برای آن پدید شده سرانجام پیروز خواهد شد . محبت و پشتیبانی تمام نیروهای مترقی‌جهان متوجه این مشی مترقی است . حزب توده ایران سیاست تحریك آمیز و مداخلات رژیم ایران را در مورد کردستان‌عراق بشدت محکوم میکند و همه مردم ایران و بویژه هم میهنان کرد را به مبارزه با این سیاست فرا میخواند .

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۳

تلگراف شاد باش

کمیته مرکزی حزب توده ایران

برفیق آلوارو کونهال دبیر کل

کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتقال

دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتقال - رفیق آلوارو کونهال !

کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت پیروزی بزرگ مردم‌پرتقال برفاشیسم، شاد باشهای پر شور خود را تقدیم میدارد .

تشکیل دولت‌موقت پرتقال باشرکت حزب کمونیست نشانه بارزیست ازخصلت‌عمیقاً دموکراتیك این حکومت و نمایانگر نقش برجسته حزب شما در پیکار خلق علیه رژیم دیکتاتوری فاشیستی .

کامیابی های هر چه بیشتر شما را در مبارزه‌ای‌که باشرکت سایر سازمانهای میهن پرست برای دموکراسی،ترقی و بهروزی مردم پرتقال انجام میدهید ، آرزومندیم .

بدینوسیله مراتب پشتیبانی و همبستگی کامل خود رابا تمام اعضای حزب‌شما ، باکلیه سازمانهای میهن پرست و همه مردم پرتقال ابراز میداریم .

درودهای‌گرم وبرادرانه ما را بپذیرید .

کمیته مرکزی حزب توده ایران

دبیر اول — ایرج اسکندری

تغییرات در دولت هویدا

اخیراً تغییرات زیادی در ترکیب دولت هویدا داده شده است . سیزده وزیر یا بکلی عوض شده‌اند ویا پست آنها تغییر کرده است . سه وزیر: آموزگار، انصاری و مجیدی عنوان وزیر « ارشد » داده اند . یك اداره کل برای تمرکز کلیه امور کارگزینی کشور بوجود آورده و سرپرستی آن را نیز بآموزگار وزیر کشور سپرده اند . امور اداری و اقتصادی و بازرگانی یعنی دو رشته مهم کار های دولتی به این سه وزیر ارشد واگذار شده است. پس از این تغییرات چند تن از افسران ژاندارمری از جمله یك سپهبد را با تنزل درجه ، تقاعد یا اخراج بعنوان «تخلف در اموراداری» کیفر داده اند ! ظاهراً هویدا این اقدامات را بعنوان رئیس دولت انجام داده ولی همه کس میداند که‌هویدا چاکری بیش نیست و اینگونه تغییرات بدستور ارباب او شاه پدید آمده است . شاه قوای سه گانه‌مقننه ، قضائیه و اجرائیه را در دست خود گرفته و تا او نخواهد هیچ وزیر و وکیلی تغییرنخواهد کرد. این امر نه رازیست ونه نیازی به اثبات دارد . امریست که جملگی و در درجه اول شخص شاه بر آنند . تردیدی نیست که این تغییرات تغییر در ماهیت و یا سیاست رژیم نیست . اما این سئوال بجاست که پس برای چه شاه آنها را لازم شمرده و از چه رو حتی بر خلاف همین قانون مثله شدهٔ اساسی ، مانند ناصر الدین شاه سه‌نفر را بلقب « ارشد » سر افراز کرده است ؟

صرفنظر از هر گونه انگیزه دیگری یك دلیل آشکار و مهم برای این اقدام قابل لمس‌است: حقیقت این است که فساد و تباهی و فشار دستگاههای پر عرض و طول دولتی بحدی رسیده که مردم را بجان آورده است . زورگوئی ، اختلاس ، رشوه خواری ، قانون شکنی ، غرض ورزی ، ولنگاری ، بی اعتنائی بکار و عدم درك مسئولیت ، پارتی بازی و پرونده‌سازی وانواع زشتکاریها ناخشنودی مردم را باوج خود رسانده است . « انقلاب اداری » نتیجه معکوس داده و شاه و هیئت حاکمه بخوبی از آن آگاهند . در برابر این وضع دیکتاتور ایران برای فریب مردم ریاکارانه دست به بازی « تغییرات » زده و با تنزل درجه چند نفر از نوکران خود میخواهد چنین وانمود کند که گویا این « تحولات » برای اصلاح امورکشوری و در جهت جلب رضایت مردم انجام‌گرفته است. اما نه مردم که بارهاشاهد بی اثر بودن اینگونه بازیها بوده اند، گول خواهند خورد ونه فساد وتباهی از دستگاه دولتی‌رخت بر خواهد بست . ماهیت‌دستگاه دولتی از ماهیت‌رژیم فاسد محمد رضا شاهی و دربارش جدا نیست . همه سر و ته یك کرباسند . مادام که این رژیم پا برجاست هر دستگاه دولتی که بدست آن بر سر کار آیدمانند خود دیکتاتور جز زور گوئی و بیداد و پایمال کردن حقوق انسانی ، کاری نخواهد کرد. وزیران و نمایندگان همه چاکران درگاه وبطرق گوناگون مانند شاه بجهان سر تا پا فساد سرمایه داری و امپریالیسم وابستگی و تعلق دارند نه به مردم . تغییر و تبدیل واقعی بسود مردم هنگامی انجام پذیر میشود که این رژیم بیداد واژگون و حکومت مردم برقرار شود .

ا . گویا

کنگرهٔ دانشجویان عراقی

سیاست تجاوزکارانهٔ ایران را در منطقه محکوم کرد !

از ۵ تا ۷ آوریل ۱۹۷۴ کنگره سالانه‌اتحادیه دانشجویان عراقی در جمهوری فدرال آلمان و بران غربی در هامبورگ بر گزار گردید .

از جانب « جوانان توده ایران » پیام تهنیتی برای کنگره فرستاده شده بود که با استقبال گرم و پر شور نمایندگان کنگره روبرو شد .

علاوه بر این اظهاریه هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران در باره تحولات اخیر در کنگره قرائت گردید . کنگره ارزیابی حزب توده ایران را از وضع عراق تأییدکرد و موضع مترقی‌حزب توده ایران را ستود .

کنگره در قطعنامه های گوناگون سیاست تحریك آمیز و خصمانه دولت ایران را بر ضد دولت عراق و سیاست تسلیحاتی و تجاوز کارانه ایران را در منطقه محکوم کرد و همبستگی خود را با مردم ایران و زندانیان سیاسی ایران اعلام نمود .

علل گرانی ونایابی مواد خوراکی در کجاست ؟

در برنامه «دهقان آزاده» که همه روزه عصرها بمنظور تحریف واقعیات و اغفال توده های دهقان از رادیوی‌تهران پخش میشود تنظیم کننده برنامه درپاسخ سئوال یکی از دهقانان‌که پرسیده است: «چراگوشت گران و نا یاب شده تا جائیکه دیگر دهقانان نیز به آن‌دسترسی‌ندارند، چنین‌پاسخ‌داد : « یکی از علل مهم نایابی و گرانی گوشت آنست که پس از اصلاحات ارضی دهقانان گوشت خوار شده اند و گوسفند ها را خود آنها میخورند .»

در همین مضمون متنها در مقامی بسیار بالاتر یعنی در جریان معرفی وزرای جدید کابینه در هفتم اردیبهشت ماه شاه خود مسئله گوشت را مطرح کرد و از اینکه مردم‌ایران « پرمدعا » شده‌اند ومیخواهند گوشت تازه بخورند ابراز نا خرسندی نمود . او خطاب

دنباله در صفحه ۲

سنتو و پیمان منطقه ای دو روی یك سکه اند

اقدام کابینه منصور در بهار سال ۱۳۴۳ به شرکت در ایجاد پیمان همکاری منطقه ای برای عمران (آر — سی — دی) مرکب از سه کشور ترکیه ، ایران و پاکستان در همان آغاز از جانب حزب توده ایران عملی در جهت تقویت پیمان نظامی سنتو و ایفای برخی وظایف استراتژیك آن‌تحت عنوان‌همکاری های اقتصادی ارزیابی شد. لیکن سران رژیم ودستگاه های تبلیغاتی آنان در تمام عمر دهساله آر — سی — دی ادعا داشته اند که گویا این پیمان با سنتو ارتباطی ندارد و گویا اقدام به ایجاد آن از نیازهای مشترك ملی و منطقه ای سه کشور عضو در زمینه همکاریهای اقتصادی ، عمرانی و بازرگانی سر چشمه گرفته است.

ادعای اخیر بار دیگر در اظهارات زمامداران به‌مناسبت تشکیل ۱۷ — مین اجلاسیه شورای‌وزیران آر — سی — دی که با دهمین سال موجودیت این پیمان مقارن بوده و در روز های ۱۴ و ۱۵ فروردین ۱۳۵۳ در تخت جمشید بر گزار شد تکرار گردید. شاه درپیام خود به‌اجلاسیه آر — سی — دی موجودیت این پیمان را برای « شتاب بخشیدن به پیشرفتهای ملی واجتماعی واقتصادی » ضروری قلمداد نمود تا افکار عمومی را از توجه به پیوند سرشتی میان سنتو و آر — سی — دی باز دارد . او همچنین ادعامیکند که « جوهر و اساس » آر — سی — دی گویا در « اشتراك مساعی در بنای آینده ای سعادت بخش برای ملت‌های . . . ایران وپاکستان وترکیه » میباشد و نه انجام وظایفی که امپریالیسم بعهده رژیم های ضد ملی و دست نشانده واگذار نموده است .

بی پایگی ادعا های شاه طی ده ساله عمر

دنباله در صفحه ۲

مبارزه در راه برچیدن بساط حکومت استبدادی شاه و سیطره دوزخی ساواك وظیفه مبرم تمام مردم‌میهن پرست ایران است !

دنباله از صفحه ۱

دیکتاتوری فاشیستی پرتقال . . .

دموکراتیك نیروهای مسلح و پشتیبانی فعال و همگانی توده‌های مردم پرتقال سرنگون شد .

بر افتادن رژیم فاشیستی کائه تانو و دارو دستهٔ وی نه تنها برای مردم پرتقال پیروزی بزرگ تاریخی بشمار میرود ، بلکه باید آنرا بمثابه ضربه نیرومندی تلقی نمود که بر بنیان فاشیسم اروپا و رژیم های اختناق و ترور پلیسی درسراسر جهان وارد شده است .

در واقع قیام تاریخی ۲۵ آوریل دارای ویژگی هائی است که بر رسی آنها برای جنبش دموکراتیك همهٔ خلقهائی که مانند مردم کشور ما با رژیم ترور و اختناق پلیسی ودیکتاتوری فردی روبرو هستند آموزنده است . بروید‌ادها مراجعه کنیم . روز ۲۵ آوریل هنگامیکه از سوئی یك بخش از نیروهای مسلح ارتش برهبری گروهی از افسران جوان بپا خاسته و سر گرم تصرف رادیو و دیگر مراکز دولتی بودند و از سوی دیگر کائه‌تانو و توماز بانگاه نیروهای تحت‌اختیار خود نقشه سرکوب قیام را میکشیدند ، دهها هزار نفر از مردم زحمتکش لیسبون بیاری سربازان و افسران شتافته مراکز عمده دولتی ، سرباز خانه‌ها و مقر گارد باصطلاح جمهوری یعنی نیروی ضربتی رژیم را محاصره نموده نقشه هجوم نیروی مسلح فاشیستی را فلج ساختند . اتحاد فعال توده‌های مردم با سربازان و افسران تحت شعار واحد « سرنگون باد فاشیسم » چنان محیط شور انگیزی بوجود آورد که نه تنها وسیعترین قشرهای مردم بلکه بخشهای دیگری از نیروهای مسلح به قیام کنندگان پیوستند. بدینسان امکان هرگونه مقاومتی از زمامداران فاشیست سلب شد و عصیان بخشی از نیروهای مسلح تحت فرماندهی افسران جوان یا « گروه سروانان » بقیام همه خلق مبدل گردید .

نمایش بی‌سابقه وتاریخی روزاول ماه‌مه‌درسراسر پرتقال بنحو بارزی‌اتحاد تمام نیروهای ملی ودموکراتیك این کشور و اراده بی‌تزلزل خلق را درحفظ دموکراسی و جلوگیری از رجعت دیکتاتوری نشان داد . شعارهای سه‌گانه « پشتیبانی از جنبش ارتش ، اتحاد توده ای و هوشیاری » که آلوارو کونهال دبیر کل حزب کمونیست پرتقال در نخستین روزهای قیام ازجانب حزب کمونیست اعلام نمود، انعکاس روشنی از این واقعیت است .

قیام ۲۵ آوریل بروشنی نشان داد که کهنه کار ترین ارتجاع نظامی و یکی از وحشیانه ترین رژیم های ترور و اختناق در برابر نیروی اتحاد و عزم انقلابی توده های مردم چنان زبون ودرمانده شد که حتی قادر به کوچکترین مقاومتی برای جلوگیری از پیروزی خلق نگردید . حوادث پرتقال یکبار دیگر اهمیت بزرگ نفوذ اندیشه‌های دموکراتیك رادر درون نیروهای مسلح بویژه در کشورهائی که درآنها رژیم ترور واختناق پلیسی و ارتجاع نظامی حاکم است روشن ساخت. بگفتار این سروان ۲۹ ساله پرتقالی گوش فرا دهیم . وی به خبر نگار روزنامه اومانیته در روز اول ماه مه چنین گفت : « ما خود از میان خلق بر خاسته ایم و لذا بآن نزدیکیم وبهمین سبب محققاً بیش ازفرماندهان عالیرتبه‌خواستها ونگرانیهای مردم را احساس میکنیم. ما اکثراً از دانشگاهها بیرون آمده ایم که در آنجا مخالفت با رژیم از ده سال پیش شدید است . هر چه علیه فاشیسم باشد خوب است شما هر طور میخواهید این فلسفه را تلقی کنید ولی همین اندیشه جایگیر شد، تکامل یافت وگاه نیزجنبه‌های جنجالی وآنارشیستی پیدا کرد . ولی سر انجام این شعار تا خرسندیها را حول یك هدف مشخص سیاسی که عبارت ازسرنگون ساختن رژیم فاشیستی است متبلور ساخت . . . »

وقایع پرتقال نشان داد در صورتیکه بخشی از نیروهای مسلح در جهت خواستهای خلق قدم بر دارد بی شك از پشتیبانی بیدریغ توده های مردم بر خوردار است . در روزگار ما که شعار دموکراسی ، ترقی و سوسیالیسم بنحو روز افزونی درمیان قشرهای وسیع خلق نفوذ یافته و میباید نقش توده ها در اقدامات انقلابی بیش از پیش آگاهانه‌تر، متحدتر و فعال تر میگردد .

نمونه پرتقال یکبار دیگر اهمیت عظیم اتحاد نیروهای انقلابی را در پیرامون هدف واحد به ثبوت رساند و نشان داد که اقدامات سازمانی و تبلیغی دراین شرایط نه تنها بیهوده نیست بلکه بعکس میتواندتوده های خلق را از لحاظ آگاهی سیاسی چنان آماده کند که در لحظات حساس ناگهانی حتی خود بخود و بدون رهنمود مشخص وارد میدان انقلابی شوند و متحداً برای هدف مشترك دموکراتیك جانبازی کنند .

اینها عمده ترین نتایجی هستند که میتوان از تحلیل اجمالی قیام ۲۵ آوریل بدست آورد . نظر به شباهت بارزی که میان رژیم کنونی ایران و رژیم سرنگون شده‌ی فاشیستی پرتقال وجود دارد بی‌شك پند آموزی از چگونگی رویداد این قیام و پیروزی آن میتواند در کمك به پیشرفت جنبش رهائی بخش خلقهای کشور ما مؤثر واقع شود . ا . کیوان

دنباله از صفحه ۱

علل گرانی و نایابی مواد خوراکی در کجاست ؟

بوزرای جدید گفت « در جامعه‌ای که افراد سوارهواپیما میشوند و تلویزیون نگاه میکنند این جامعه چطور انتظار دارد که برود گوشت گرم بخرد . . . این توقعات عجیب و غریب اصلا زیبنده نیست . . . وسائل دسته جمعی و مطبوعاتی ما اصلا چطور میتوانند بخودشان اجازه بدهند که در ستونهایشان یك مطالبی را بنویسند که اصلا قبیح است . »

اگر مسئله تنها بر سر گرانی و نایابی گوشت بود جا داشت که ما با شاه ودستگاههای ارتباط‌جمعی او تنها در این مورد وارد مباحثه شویم وبیان داریم که علت گرانی و نایابی‌گوشت درگوشتخوار شدن‌دهقانان ایران و پر مدعا شدن جامعه شهری نیست بلکه در فلج ساختن عمدی امر دامداری در کشوری است که نه فقط میتوانست سکنه خود را با گوشت و دیگر مواد دامی تأمین کند بلکه قادر بود به صادرات‌این رقم‌از کالاها نیز بپردازد . چنانکه ارقام‌گمرکی نشان میدهد تا قبل از آغاز بحران دهه اخیر در کشاورزی ایران که علت آن خود داری از اصلاحات ارضی بسود توده های دهقان و محدود ساختن آن در چهار چوب تغییر یك‌نوع استثمار بانوع دیگر آن بوده ، کالاهای کشاورزی از جمله گندم و گوسفند از اقلام صادراتی بازرگانی ایران بشمار میرفت .

اما حالا مسئله گرانی و نایابی بمراتب وسیعتر و عمیقتر از مسئله گوشت است که صحبت بر سر منجمد یا گرم آن محدود بماند . مسئله گرانی ونایابی شامل کلیه ارزاق عمومی و در درجه اول شامل موادی است که مورد احتیاج‌عمومی ، بویژه طبقات زحمتکش و کم در آمد جامعه میباشد . مسئله گرانی و نایابی تا حدی است که دیگر توصیه‌های اعلیحضرت بمنظور پنهان داشتن واقعیت نمیتواند مانع از انعکاس آن حتی در مطبوعات وابسته بخود رژیم شود . تصادفی نیست که روزنامه ای چون اطلاعات در همان شماره ای که اظهارات شاه را در توصیه بوزراء برای تحریف واقعیت در امر نایابی و گرانی گوشت درج میکند ، به اجبار مینویسد « هم اکنون مسائلی چون گوشت، لبنیات ، قند و شکر و غیره وضع جالبی ندارد . »

طنز نویس همین روزنامه بدرستی متذکر میشود که‌کار نایابی و گرانی گوشت و روغن و برنج و مرغ و تخم مرغ به آنجا رسیده که حتی اغنیا مجبورند « بر در مطبخ ها قفل بزنند و دیگ و دیگچه را به مرخصی بفرستند و شبها « تلویزیون پاو » بخورند . »

چنانکه می‌بینیم در آنجا که‌مسئله مربوط به « پر مدعا شدن مردم » در طلب گوشت تازه است حتی روزنامه ای نظیر اطلاعات نیز ، البته بر اثر وجود خشم عمومی ناگزیر شده است ادعای شاه را رد کند وتأیید نماید که مسئله بر سر گرم و یا منجمد بودن گوشت نیست بلکه موضوع بر سر نایابی و دقیقتر گفته شود قحطی موادخوراکی است. البته از روزنامه «اطلاعات» و دیگر مطبوعات وابسته رژیم انتظار اینکه از حد « انتقاد » طنز آمیز پا فراتر گذارده و به تشریح علل واقعی گرانی ونایابی خوار بار و ارزاق عمومی بپردازند انتظار عبثی است . ولی حتی « انتقاد » درهمین سطح نیز یکی ازعلائم وجود عدم رضایت شدید در توده‌های مردم ایران از رژیم موجود است که روزنامه هائی‌مانند « اطلاعات » از ابزار تسلط آن بشمار میآیند .

گرانی و نایابی خوار بار و ارزاق عمومی که توده‌های مردم ایران را در شهر و روستا به ستوه آورده علل عمده ای دارد که از ماهیت رژیم و بویژه سیاست ضد خلقی آن در کشاورزی ناشی میشود . اصلاحات ارضی نیم بند و نیمه کاره ای که به آن نام « انقلاب سفید » داده شده ، و هدف عمده آن تأمین‌منافع طبقات استثمارگر درکشاورزی در تطبیق با شرایط موجود بوده ، جز آنکه ایران را محتاج واردات‌گندم — گوشت — روغن — پنیرو کره از خارج نماید نتیجه دیگری نمیتوانست داشته باشد .

سیاست کشاورزی دولت متوجه غصب اراضی مرغوب زراعتی‌بوسیله زمینداران بزرگ ، واگذاری اراضی زیر سدها به امتیاز سرمایه‌های امپریالیستی ، اختصاص اعتبارات دولتی به ایجاد شرکتهای کشت و صنعت و مجتمع های دامداری با شرکت وسیع سرمایه های خارجی است که‌گویا قادر خواهند بود بانادیده گرفتن ویژگی های طبیعی و جغرافیائی ایران در امور زراعی و دامداری و کنار از توده‌های وسیع دهقانان حواشج‌جامعه ایران را بر آورند . ملی‌کردن مراتع نیز که در جهت محروم داشتن توده دامداران منجمله ایلات و عشایر از استفاده از چراگاههای‌طبیعی صورت گرفته وبالاخره اعمال سیاست های خرابکارانه خرید گندم و گوشت و حتی میوه از کشور های غربی که بمنظور بازگشت دادن قسمت فزاینده ای از درآمد نفت به گاو صندوق انحصارات امپریالیستی و کسب منافع عظیم از جانب عوامل ایرانی آنها درمقامات‌حساس (مانندعام وزیر دربار ونظایر او) بعمد اعمال میشود، علل عمده دیگر پیدایش و گسترش نایابی و کمبود بیسابقه خوار بار عمومی است و بار سهمگین آن بدوش میلیونها خانوار سکنه زحمتکش وطبقات متوسط شهری و روستائی قراردارد .

بحران خوار بار و ارزاق عمومی چنانکه مقامات دولت ادعا میکنند بحران‌گرانفروشی یااحتکار نیست. گناه این بحران متوجه فلان پیشه‌ور یابازرگان نیست که با راه انداختن جنگ بین خریدار وفروشنده (که دولت از دو سال قبل به اینطرف در مقیاس وسیع به آن دامن میزند تا بشیوه « نفاق بیافکن وحکومت کن» قشرهای مختلف مردم را در برابر هم قرار دهد) حل شود . بحران گوشت و نان بحران نایابی و تقلیل نسبی و حتی مطلق تولید داخلی خوار بار و ارزاق عمومی است که گناه آن مستقیماً متوجه دولت است و رفع آن بمعنای جدی و اساسی این کلمه ، در گرو طرد رژیم ضد خلقی و ضد ملی است .

م. جهان

حضور نظامی ایران در بلوچستان پاکستان

روزنامه «جبهه خلق» ارگان « حزب دموکرات بلوچستان ایران » شماره ۹ ـ ۸ سال ۱۹۷٤ در باره مداخلات نظامی ایران در بلوچستان پاکستان چنین مینویسد :

« حضور (نظامی) ایران در سرزمین‌بلوچستان (پاکستان) مطلبی است آشکارتر از آن که لازم به افشاء باشد . «سردار منگل » ، « احمد نواز بوگتی » و یکی از سخنگویان « مولانا شمس الدین » ، این مطلب را بر ملا ساخته اند و حالا هر کس که به شهر « کویته » می آید میتواند این ایرانیان را در کافه های شهر ببیند . آنها کوششی درتغییر سر ووضع خود ندارند و بهر طرف که بخواهند میروند . شما میتوانید پلاك تهران راروی اتومبیل‌های « شهباز » آنها مشاهده کنید که با خط جلی فارسی نوشته شده است . هلیکوپتر های ایرانی « مولانا شمس الدین » را از بازداشتگاهش باز گردانده اند و اکنون صحبت این مطلب بر سر زبانهای اهالی شهر « کویته » است . دولت « اسلام آباد » به رابطه خود با نظامیان مزدور ایرانی لاف میزند و میگوید تمام سوختی که برای ارتش اعزامی به بلوچستان لازم است مجاناً از طرف دولت ایران تأمین میگردد . »

درآمد نفت بکجا میرود !

روزنامه « نیویورك هرالد تریبون » در شماره ۲٦ آوریل ۱۹۷٤ تحت عنوان « بخشی از عواید نفت به غرب باز میگردد » مینویسد :

« شاه ایران از طریق « بنیاد پهلوی » در خیابان پنجم‌نیویورك یك‌بنای برجی شکل ۳٤ اشکوبه که موارد استفاده گوناگون دارد ، میسازد که مرکز فرهنگ و بازرگانی ایران خواهد بود . » نیویورك هرالد تریبون ننوشت که چه مبلغی برای ساختن این بنا صرف میشود ولی میتوان حدس زد که ساختن یك آسمانخراش مدرن در خیابان پنجم نیویورك به چه مبلغ گزافی نیازمند است .

دنباله از صفحه ۱

سنتو و پیمان‌منطقه‌ای . . .

آر — سی — دی هم بر اساس تجربه و واقعیت وهم بر پایه افشاآت مکرر از جانب نیروهای مترقی و ملی ایران به‌ثبوت رسیده ومحتاج توضیح اضافی نیست. با این همه شاه میکوشد پیمان همکاری منطقه ای برای عمران را از پیمان نظامی سنتو جدا نشان‌دهد. او چنانکه در مصاحبه‌های اخیرخود متذکر شده میخواهد دام آر — سی — دی را در سر راه کشور های دیگر آسیائی بگشاید و تحت عنوان همکاریهای اقتصادی نفوذ سنتو را حتی تاکلمبو بسط دهد . بدینجهت‌بجاست به تقلب و جعل شاه در این باره از زبان مطبوعات خود رژیم و منجمله اعتراف بسیار آشکار ارگان حزب اکثریت دولتی « ایران نوین » پاسخ داده‌شود.

روزنامه « ندای ایران نوین » ضمن اشاره به اجلاسیه اخیر آر — سی — دی که در آن دکتر احمد مینائی ریاست اداره چهارم سیاسی وزارت خارجه و فارغ التحصیل از دانشگاه واشنگتن بسمت‌دبیر کل ایرانی جدید پیمان منطقه ای معرفی شد و نیز ضمن اعلام نظر تهران در باره اینکه باید « چند کشورتازه در گروه اعضاء آر — سی — دی قرار گیرند » ، مینویسد : « ازمدتی‌قبل محافل‌آگاه پیش بینی کردند که آر — سی — دی، با تغییرهدفها درجهت تازه‌ای گام بر میدارد و فعالیت خود را در سطح وسیعتری دنبال خواهد کرد . . . با توجه به تغییرجهت مشخص سنتو و تکیه بیشتر بر هدفهای دفاعی (یعنی تجاوزی م . ج) که یقیناً خطوط‌کلی آن طی اجلاس‌آینده پیمان نظامی سنتو در نیویورك عنوان خواهد شد ، این تغییر روش در آر — سی — دی قابل انتظار است».

اعتراف « ندای ایران‌نوین » به تشدید رابطه آر — سی — دی با سنتو در آینده محدود نیست ، این اعتراف هم‌چنین شامل فعالیت آر — سی — دی در دهه گذشته است که افشاکننده اظهارات شاه در مورد این پیمان میباشد .

« ندای ایران نوین » مینویسد — « با توجه به نحوه فعالیت سنتو طی چند سال گذشته ، اغلب فعالیتهای اقتصادی وعمرانی سنتو و آر — سی — دی با یکدیگر تشابه میبافت و هم چنین حرکت در دو شاخه مشابه شاید راندمان کار را نازل میساخت .

با ترتیبات تازه ، سنتو بیشتر در جهت هدف مشخص دفاعی و آر — سی — دی در خط فعالیتهای عمرانی واقتصادی فعالیت خود را ادامه میدهند وهر دو پیمان از قدرت و فعالیت بیشتری بر خوردار خواهند بود .

اعترافات « ندای ایران نوین » پیرامون این امرکه سنتو و آر — سی — دی دو روی یك سکه سیاست تجاوزی امپریالیسم در خاور میانه هستند وهیچ یك از این پیمانها بامنافع ملی، دفاعی واقتصادی کشور های منطقه کوچکترین رابطه ای ندارند کاملا آشکار است وما را از توضیح بیشتر بی‌نیاز میسازد . تنها باید اضافه کرد که در حال حاضر دبیران هر دو پیمان‌سنتو و آر — سی — دی ، هم نصیر عصار هم‌احمد مینائی هر دو ایرانی هستند که خود از علاقه مفرط شاه به ابقاء سنتو و حفظ تسلط آن برکشور ما خبر میدهند .

م . ج

با این آدرس با رادیو پیك ایران ، با روزنامه مردم ، مجله دنیا ، مجله مسائل بین المللی و مجله پیکار مکاتبه کنید !

P. B. 49034
10028 Stockholm 49 Sweden